

این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

فصل سوم - ديه مقدر اعضاء - سوم

فصل سوم - ديه مقدر اعضاء

مبحث اول - ديه مو

ماده 576

ماده 576

کندن و یا از بین بردن تمام موی سر یا ریش مرد، در صورتی که دیگر نروید، ديه کامل دارد و اگر دوباره برويد، نسبت به موی سر، ارش و نسبت به ریش یک سوم ديه کامل ثابت است. در این حکم فرقی میان موی کم پشت و پر پشت و کودک و بزرگسال نیست.

ماده 577

ماده 577

کندن و یا از بین بردن تمام موی سر زن، در صورتی که دیگر نروید، موجب ديه کامل زن و اگر دوباره برويد، موجب مهرالمثل است. در این حکم فرقی میان موی کم پشت و پر پشت و کودک و بزرگسال نیست.

تبصره

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از ديه کامل زن باشد فقط به مقدار ديه کامل زن، پرداخت می‌شود.

ماده 578

ماده 578

چنانچه قسمتی از موی سر مرد یا زن یا ریش مرد طوری از بین برود که دیگر نروید، باید به نسبت، دیه پرداخت شود و اگر دوباره بروید، در موی سر مرد، ارش و در ریش به نسبت از یک سوم دیه کامل و در موی سر زن به همان نسبت از مهرالمثل، باید دیه پرداخت شود.

ماده 579

ماده 579

کندن موی سر زن یا مرد یا ریش مرد، چنانچه با رضایت شخص یا در مواردی که اذن شخص معتبر نیست، با رضایت، ولی او باشد یا به جهت ضرورت‌های پزشکی لازم باشد، دیه یا ارش ندارد.

ماده 580

ماده 580

تشخیص روییدن و نرویدن مو با کارشناس مورد وثوق است. چنانچه نظر کارشناس بر نرویدن باشد و دیه پرداخت شود، ولی پس از آن خلاف نظر او ثابت گردد، باید مازاد بر ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد به پرداخت کننده دیه، مسترد شود و اگر نظر کارشناس بر روییدن باشد و ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد پرداخت شود، ولی خلاف نظر او ثابت گردد، باید مابه التفاوت آن پرداخت شود.

ماده 581

ماده 581

کندن و یا از بین بردن هر یک از ابروها، اگر بدون رضایت شخص یا، ولی او در مواردی که اذن شخص معتبر نیست و یا بدون ضرورت تجویزکننده باشد یک چهارم دیه کامل دارد و اگر دوباره بروید، موجب ارش است و اگر مقداری از آن بروید نسبت به مقداری که روییده، ارش و نسبت به مقداری که نرویده، دیه با احتساب مقدار مساحت، تعیین می‌شود.

ماده 582

ماده 582

اگر مقداری از موی سر، ریش و ابرو پیش از جنایت از بین رفته باشد، زائل کردن باقیمانده آنها، حکم از بین بردن قسمتی از مو را دارد.

ماده 583

ماده 583

هرگاه با از بین بردن عضو یا پوست و مانند آن، موی سر، ریش یا ابرو از بین برود، علاوه بر دیه مو یا ریش یا ابرو، حسب مورد دیه یا ارش جنایت نیز پرداخت می‌شود.

ماده 584

ماده 584

از بین بردن تمام یا قسمتی از موی پلک یا سایر موهای بدن در صورت بروز عیب و نقص موجب ارش است، خواه بروید خواه نروید و چنانچه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن باشد، تنها دیه یا ارش محل مو پرداخت می‌شود.

ماده 585

ماده 585

هرگاه موی سر مرد یا زن یا ریش مرد که از بین رفته است با عیب و نقص بروید مانند آنکه رنگ یا حالت طبیعی آن تغییر کند یا کم پشت بروید، ارش ثابت است. مقدار ارش مزبور در مورد ریش باید بیشتر از یک سوم دیه کامل و در مورد موی سر مرد، بیشتر از ارشی باشد که در صورت رویش بدون عیب تعیین می‌شود. در مورد موی سر زن نیز علاوه بر ارش یا ثلث دیه یا مهرالمثل حسب مورد باید ارش دیگری برای عیب حاصله پرداخت شود.

ماده 586

ماده 586

ملاک مسئولیت صدمه به مو، از بین بردن آن است و شیوه از بین بردن مانند کندن یا سوزاندن، تاثیری در حکم ندارد.

مبحث دوم - دیه چشم

ماده 587

ماده 587

درآوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هریک از آنها نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هرچند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند.

تبصره

تبصره - هرگاه لکه دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد، در صورتی که تعیین مقدار آن ممکن باشد به همان نسبت از دیه کسر و در غیر این صورت، ارزش پرداخت می‌شود.

ماده 588

ماده 588

درآوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.

ماده 589

ماده 589

دیه درآوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی ندارد یک ششم دیه کامل است.

ماده 590

ماده 590

دیه مجموع چهار پلک دو چشم، دیه کامل، دیه هریک از پلک‌های بالا، یک ششم دیه کامل و دیه هر یک از پلک‌های پایین، یک چهارم دیه کامل است.

تبصره

تبصره - هرگاه کسی چشم و پلک را یکجا از بین ببرد، هریک دیه جداگانه دارد.

ماده 591

ماده 591

شکافتن هریک از پلک‌های بالا، موجب یک ششم دیه و شکافتن هریک از پلک‌های پایین، موجب یک چهارم دیه است.

مبحث سوم - دیه بینی

ماده 592

ماده 592

قطع کردن و یا از بین بردن تمام بینی یا نرمه‌ای که پایین استخوان بینی است دیه کامل دارد. از بین بردن تمام نرمه با تمام یا مقداری از استخوان بینی در صورتی که در یک دفعه باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر نرمه بینی در یک دفعه و تمام یا مقداری از استخوان بینی در دفعه دیگر از بین برود، برای نرمه دیه کامل و برای استخوان، ارزش تعیین می‌شود.

ماده 593

ماده 593

شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود موجب یکدهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، ارش ثابت می‌شود.

ماده 594

ماده 594

از بین بردن هریک از پره‌های بینی یا پرده میان دو سوراخ، موجب یک سوم دیه کامل است.

ماده 595

ماده 595

فلج کردن بینی، موجب دو سوم دیه کامل و از بین بردن بینی فلج، موجب یک سوم دیه کامل است.

ماده 596

ماده 596

سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پرده فاصل میان آن، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یکسوم دیه کامل است و اگر بهبود یابد، موجب یک پنجم دیه کامل است.

ماده 597

ماده 597

دیه سوراخ کردن یک طرف بینی در صورتی که بهبود نیابد یک نهم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک

بیستم دیه کامل است و دیه سوراخ کردن یکطرف بینی با پرده وسط آن در صورتی که بهبود نیابد دونهم دیه کامل و در صورتی که بهبود یابد، یک پانزدهم دیه کامل است.

ماده 598

ماده 598

دیه پاره کردن بینی در صورتی که سبب از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، یک سوم دیه کامل و اگر بهبود یابد یک دهم دیه کامل است.

ماده 599

ماده 599

دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است، نصف دیه کامل می باشد.

مبحث چهارم - دیه لاله گوش

ماده 600

ماده 600

از بین بردن دو لاله گوش، دیه کامل و از بین بردن هریک از آنها نصف دیه کامل دارد.

تبصره

تبصره - از بین بردن نرمه هر گوش، موجب یک ششم دیه کامل است.

ماده 601

ماده 601

پاره کردن لاله یک گوش، موجب یک ششم دیه کامل و پاره کردن نرمه یک گوش، موجب یک نهم دیه کامل

است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل، ارش ثابت است.

ماده 602

ماده 602

فلج کردن لاله هر گوش، دوسوم ديه آن و بریدن لاله گوش فلج شده، يك سوم ديه آن را دارد.

ماده 603

ماده 603

هرگاه لاله گوش به نحوی قطع شود که استخوان زیر آن ظاهر گردد علاوه بر ديه لاله گوش، ديه موضحه نیز باید پرداخت شود.

ماده 604

ماده 604

گوش شنوا و ناشنوا یا معیوبی که لاله آن سالم و دارای حس و حیات کامل باشد در احکام این فصل یکسان هستند.

ماده 605

ماده 605

پاره کردن پرده گوش، موجب ارش است و اگر در اثر آن حس شنوایی نیز از بین برود یا نقصان پیدا کند، ديه آن نیز باید پرداخت شود.

ماده 606

ماده 606

هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند یا موجب سرایت به استخوان و شکستگی آن شود هر کدام دیه جداگانهای دارد.

مبحث پنجم - دیه لب

ماده 607

ماده 607

از بین بردن دو لب، دیه کامل و هریک، نصف دیه کامل دارد و دیه از بین بردن مقداری از لب به نسبت تمام لب محاسبه می‌شود.

تبصره

تبصره- حدود لب بالا از نظر عرض، مقداری است که لثه را میپوشاند و به دو روزنه و دیواره بینی متصل و طول آن همان طول دهان است و حدود لب پایین از نظر عرض، مقداری است که لثه را میپوشاند و طول آن همان طول دهان است. حاشیه گونه‌ها جزء لب‌ها محسوب نمی‌شود.

ماده 608

ماده 608

جنایتی که باعث جمع شدن یک یا دو لب و یا قسمتی از آن گردد موجب ارش است خواه موجب نمایان شدن دندان‌ها بشود خواه نشود.

ماده 609

ماده 609

جنایتی که موجب سست و فلج شدن هریک از لب‌ها گردد به گونه‌ای که با خنده و مانند آن از دندان‌ها کنار نرود، موجب دوسوم دیه یک لب و از بین بردن هریک از لب‌های سست و فلج شده موجب یکسوم دیه آن است.

ماده 610

ماده 610

شکافتن هر دو لب به نحوی که باعث نمایان شدن دندانها شود، یکسوم ديه کامل و در صورت بهبودی بدون عيب، یک پنجم ديه کامل دارد. شکافتن یک لب موجب یک ششم ديه کامل و در صورت بهبودی بدون عيب، موجب یک دهم ديه کامل است.

تبصره

تبصره - جراحات وارده بر لب هرگاه باعث نمایان شدن دندانها نگردد در صورتی که از مصادیق حارصه، داميه و متلاحمه باشد، حکم جراحات مذکور را دارد.

مبحث ششم - ديه زبان

ماده 611

ماده 611

قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب ديه کامل است و ديه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام ديه به حروف محاسبه می شود.

تبصره 1

تبصره 1- ديه از بین بردن ادای هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنیٰ علیه تعیین می شود مانند اینکه از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی زبان، یک سی و دوم ديه کامل است.

تبصره 2

تبصره 2- شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندى سخن میگوید یا برخی از حروف را نمی تواند تلفظ کند، گویا محسوب می شود.

ماده 612

ماده 612

قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک سوم ديه کامل است و از بين بردن مقداری از آن، موجب همان مقدار ديه به نسبت مساحت تمام زبان است.

تبصره

تبصره- لال اعم از مادرزادی و عارضی است لکن کسی که به واسطه عارضه‌ای به طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود.

ماده 613

ماده 613

هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعدادی از حروف گردد و شخص دیگری مقداری دیگر از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعداد دیگری از حروف شود هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آن‌ها را از بین برده است، ضامن می‌باشد.

ماده 614

ماده 614

قطع و از بین بردن تمام زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده، موجب ديه کامل است لکن اگر بعداً معلوم شود که لال بوده است، مازاد بر یک سوم ديه مسترد می‌شود.

ماده 615

ماده 615

هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است، قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، ديه پرداخت می‌شود لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است، دوسوم آن مسترد

می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده است، در صورتی که دیه حروف از بین رفته از دیه نسبت گویایی از بین رفته بیشتر باشد، مابه التفاوت آن باید پرداخت شود.

مبحث هفتم - دیه دندان

ماده 616

ماده 616

از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشتگانه دیه کامل دارد که به ترتیب زیر توزیع می‌شود:

الف- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک بیستم دیه کامل دارد.

ب- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک چهارم دیه کامل دارد.

ماده 617

ماده 617

دندان‌های اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد اگر در کندن آن‌ها نقصی حاصل شود، ارش ثابت می‌گردد و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود ارش نیز ندارد.

تبصره 1

تبصره 1- هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی به وجود آید، برای جراحی مزبور، ارش ثابت است.

تبصره 2

تبصره 2- هرگاه در مورد اینکه دندان کنده شده اصلی است یا زائد، تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل‌الامرین از دیه دندان اصلی و ارش دندان زائد

پرداخت می‌شود.

ماده 618

ماده 618

هرگاه دندان‌های اصلی دائمی از بیست و هشت عدد کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش مییابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد.

ماده 619

ماده 619

در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک سوم دیه همان دندان است.

تبصره

تبصره – در تغییر رنگ دندان، بدون آنکه سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارزش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.

ماده 620

ماده 620

ایجاد ترک یا لق کردن دندان هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارزش است.

ماده 621

ماده 621

کندن دندان لق یا ترک خورده که منفعت آن باقی است، موجب ديه همان دندان و در غير اين صورت موجب ارش است.

ماده 622

ماده 622

شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، ديه همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مزبور ریشه را بکند، خواه مرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری، ارش تعیین می شود.

تبصره 1

تبصره 1- شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت ديه دارد.

تبصره 2

تبصره 2- هرگاه قسمتی از دندان کنده شده در اثر جنایت یا عارضه ای قبلاً از بین رفته باشد به همان نسبت از ديه دندان کاهش مییابد.

ماده 623

ماده 623

در کندن دندان شیری یک صدم ديه کامل ثابت است مگر اینکه کندن آن موجب گردد دندان دائمی نروید که در این صورت باید ديه کامل دندان دائمی پرداخت شود.

تبصره

تبصره- شکستن، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب ارش است.

ماده 624

ماده 624

با کنده شدن دندان دائمی دیه همان دندان ثابت می‌شود، اگرچه دوباره در محل آن، دندان دیگری برآید و مانند سابق شود و چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند، باید دیه کامل همان دندان را بپردازد.

ماده 625

ماده 625

هرگاه به جای دندان کنده شده دندان دیگری یا همان دندان قرار گیرد و مانند دندان اصلی دارای حس و حیات شود، کندن آن، دیه همان دندان را دارد لکن اگر دارای حس و حیات نباشد، کندن آن موجب ضمان مالی است.

مبحث هشتم - دیه گردن

ماده 626

ماده 626

کج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت عدم بهبودی و باقی ماندن این حالت موجب دیه کامل و در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کج شدگی موجب ارش است.

ماده 627

ماده 627

شکستگی گردن بدون کج شدن و خمیدگی آن موجب ارش است.

ماده 628

ماده 628

جنایت بر گردن که مانع فرو بردن یا جویدن غذا و یا نقص آن و یا مانع حرکت گردن شود موجب ارش است.

مبحث نهم - دیه فک

ماده 629

ماده 629

قطع کردن و یا از بین بردن دو استخوان چپ و راست فک که محل رویش دندانهای پایین است، دیه کامل، هر کدام از آنها نصف دیه کامل و مقداری از آنها به همان نسبت دیه دارد.

ماده 630

ماده 630

دیه فک، مستقل از دیه دندان و سایر اعضاء است و اگر با فک، دندان یا غیر آن از بین برود یا آسیب ببیند هر کدام دیه یا ارش جداگانه دارد.

ماده 631

ماده 631

جنایتی که موجب کندی حرکت فک شود، ارش دارد و چنانچه مانع جویدن یا موجب نقص آن شود، ارش آن نیز افزوده می شود.

ماده 632

ماده 632

از بین بردن تمام یا قسمتی از فک بالا، موجب ارش است.

ماده 633

ماده 633

شکستگی استخوان فک پایین مشمول حکم شکستگی استخوان و شکستگی استخوان فک بالا مشمول حکم شکستگی استخوان‌های سر و صورت است.

ماده 634

ماده 634

فلج کردن فک پایین، دوسوم ديه کامل و قطع فک فلج، یک سوم ديه کامل دارد.

مبحث دهم – ديه دست و پا

ماده 635

ماده 635

قطع کردن و یا از بین بردن هریک از دست‌ها از مفصل مچ به شرط آنکه دارای انگشتان کامل باشد، موجب نصف ديه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد.

ماده 636

ماده 636

قطع تمام انگشتان یک دست از انتهای انگشتان یا تا مچ، موجب نصف ديه کامل است.

ماده 637

ماده 637

قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که به هر علت دارای انگشت نمی‌باشد، موجب ارش است.

تبصره

تبصره - در قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که کمتر از پنج انگشت دارد، علاوه بر دیه آن انگشتان، نسبتی از ارش کف دست نیز ثابت است، بدین ترتیب که اگر مچ دست دارای یک انگشت باشد، علاوه بر دیه یک انگشت، چهارپنجم ارش کف دست و اگر دارای دو انگشت باشد، علاوه بر دیه دو انگشت، سه پنجم ارش کف دست و اگر دارای سه انگشت باشد، علاوه بر دیه سه انگشت، دوپنجم ارش کف دست و اگر دارای چهار انگشت باشد، علاوه بر دیه چهار انگشت، یکپنجم ارش کف دست نیز پرداخت می‌شود.

ماده 638

ماده 638

قطع دست دارای ساعد از آرنج، خواه دارای کف باشد خواه نباشد نصف دیه کامل دارد و قطع دست دارای بازو از شانه، خواه دارای آرنج باشد خواه نباشد، نصف دیه کامل دارد.

ماده 639

ماده 639

دستی که دارای انگشتان است اگر بالاتر از مفصل مچ و نیز دستی که دارای ساعد است اگر بالاتر از آرنج قطع گردد علاوه بر نصف دیه کامل، موجب ارش مقدار زائدی که قطع شده نیز می‌باشد.

ماده 640

ماده 640

قطع دست اصلی کسی که از مچ یا آرنج یا شانه دارای دو دست است، موجب نصف دیه کامل و قطع دست زائد موجب ارش است. تشخیص دست اصلی و زائد بر عهده کارشناس مورد وثوق است.

ماده 641

ماده 641

دیه هریک از انگشتان اصلی دست، یک دهم دیه کامل است.

ماده 642

ماده 642

بریدن یا از بین بردن هر بند انگشت غیر شست، موجب یکسوم دیه آن انگشت و هر بند انگشت شست، موجب نصف دیه شست است.

ماده 643

ماده 643

دیه انگشت زائد، یک سوم دیه انگشت اصلی و دیه بندهای انگشت زائد، یک سوم دیه همان بند اصلی و دیه بند زائد انگشت اصلی یک سوم دیه بند اصلی همان انگشت است.

تبصره

تبصره - در صورتی که بند انگشت نقصان داشته باشد به همان میزان از مقدار دیه آن کاسته می شود.

ماده 644

ماده 644

دیه فلج کردن هر دست دوسوم دیه دست، دیه فلج کردن هر انگشت دوسوم دیه همان انگشت، دیه قطع دست فلج یک سوم دیه دست و دیه قطع انگشت فلج یک سوم دیه همان انگشت است.

ماده 645

ماده 645

دیه از بین بردن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و معیوب بروید، یکدرصد دیه کامل و اگر بدون عیب

بروید، نیم درصد دیه کامل می‌باشد.

ماده 646

ماده 646

احکام مذکور در دیه دست و انگشتان آن، در پا و انگشتان آن نیز جاری است.

مبحث یازدهم - دیه ستون فقرات، نخاع و نشیمنگاه

ماده 647

ماده 647

دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:

الف- شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

ب- شکستن ستون فقرات که بی عیب درمان شود، ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.

پ- شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا ارش هریک از عوارض حاصله نیز است.

ت- شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک دهم دیه کامل است.

ث- شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بیحس شدن پاها گردد علاوه بر دیه ستون فقرات، موجب دوسوم دیه برای فلج دو پا نیز است.

تبصره 1

تبصره 1- مراد از شکستن ستون فقرات، شکستن یک یا چند مهره از مهره‌های ستون فقرات به جز

مهره‌های گردن و استخوان دنبالچه می‌باشد.

تبصره 2

تبصره 2- جنایتی که سبب خمیدگی پشت شود بدون آنکه موجب شکستن ستون فقرات گردد در صورتی که خمیدگی درمان نشود، موجب دیه کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود، دیه آن یک دهم دیه کامل است.

ماده 648

ماده 648

قطع نخاع دیه کامل و قطع جزئی از آن به نسبت مساحت عرض، دیه دارد.

ماده 649

ماده 649

هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود، حسب مورد دیه یا ارش آن عضو بر دیه نخاع افزوده می‌شود.

ماده 650

ماده 650

از بین بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد، دیه کامل و هر کدام از آنها، نصف دیه کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت دیه دارد.

ماده 651

ماده 651

شکستن استخوان دنبالچه، موجب ارش است مگر آنکه جنایت مزبور باعث شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد که در این صورت دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد، ولی قادر به ضبط باد نباشد، ارش آن نیز پرداخت می‌شود.

ماده 652

ماده 652

هرگاه صدمه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع یا هردو گردد، یک دیه کامل دارد.

مبحث دوازدهم – دیه دنده و ترقوه

ماده 653

ماده 653

دیه شکستن هریک از دنده‌های محیط به قلب که از آن حفاظت می‌کند، یک چهارم دیه کامل و دیه شکستن هریک از دنده‌های دیگر، یک صدم دیه کامل می‌باشد.

تبصره

تبصره – کندن دنده موجب ارش است.

ماده 654

ماده 654

دیه موضعه هریک از دنده‌ها، یک چهارم دیه شکستن آن، دیه ترک خوردن هریک از دنده‌های محیط به قلب، یک هشتم دیه کامل، و دیه دررفتگی آن، هفت ونیم هزارم دیه کامل است. دیه ترک خوردن هریک از دنده‌های دیگر هفت هزارم دیه کامل و دیه دررفتگی آن‌ها پنج هزارم دیه کامل است.

ماده 655

ماده 655

قطع و از بین بردن دو استخوان ترقوه، موجب ديه کامل و هر کدام از آنها، موجب نصف ديه کامل است.

ماده 656

ماده 656

شکستن هریک از استخوانهای ترقوه در صورتی که بدون عیب درمان شود، موجب چهار درصد ديه کامل و در صورتی که درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف ديه کامل است.

ماده 657

ماده 657

دیه ترک خوردن هریک از استخوانهای ترقوه، سی و دو هزارم، دیه موضعه آن، بیست و پنج هزارم، دیه در رفتگی آن، بیست هزارم و دیه سوراخ شدن آن، ده هزارم دیه کامل است.

مبحث سیزدهم - دیه ازاله بکارت و افشاء

ماده 658

ماده 658

هرگاه ازاله بکارت غیر همسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است.

تبصره 1

تبصره 1- هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست.

تبصره 2

تبصره 2- رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است.

ماده 659

ماده 659

هرگاه به همراه ازاله بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آنکه مثانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند، جنایت مزبور حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد.

ماده 660

ماده 660

افضای همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:

الف- هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، دیه کامل زن باید پرداخت شود.

ب- هرگاه همسر، نابالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده زوج است هر چند او را طلاق داده باشد.

تبصره

تبصره - افضاء عبارت از یکی شدن دو مجرای بول و حیض یا حیض و غائط است.

مبحث چهاردهم - دیه اندام تناسلی و بیضه

ماده 661

ماده 661

قطع و از بین بردن اندام تناسلی مرد تا ختنه گاه و یا بیشتر از آن، موجب دیه کامل است و در کمتر از

ختنه گاه به نسبت ختنه گاه محاسبه و به همان نسبت ديه پرداخت می‌شود.

تبصره 1

تبصره 1- در این حکم تفاوتی بین اندام کودک، جوان، پیر، عقیم و شخصی که دارای بیضه سالم یا معیوب یا فاقد بیضه است، وجود ندارد.

تبصره 2

تبصره 2- هرگاه با یک ضربه تا ختنه گاه از بین برود و سپس مرتکب یا شخص دیگری باقیمانده یا قسمتی دیگر از اندام تناسلی را از بین ببرد، نسبت به ختنه گاه، ديه کامل و در مقدار بیشتر، ارش ثابت است.

تبصره 3

تبصره 3- هرگاه قسمتی از ختنه گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه گاه را شخص دیگری قطع کند، هریک به نسبت مساحتی که از ختنه گاه قطع کرده اند، ضامن میباشند و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه گاه را قطع کند و دیگری باقیمانده ختنه گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند، نسبت به جنایت اول، ديه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه گاه و نسبت به جنایت دوم، ارش مقدار قطع شده از اندام تناسلی ثابت است.

ماده 662

ماده 662

قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک سوم ديه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دوسوم ديه کامل است لکن در قطع اندام عَنین ثلث ديه کامل ثابت است. تبصره - قطع قسمتی از اندام فلج به نسبت تمام اندام تناسلی، خواه قسمت مقطوع ختنه گاه باشد خواه غیر آن ديه دارد.

ماده 663

ماده 663

قطع و از بین بردن هر یک از دو طرف اندام تناسلی زن، موجب نصف دیه کامل زن است و قطع و از بین بردن بخشی از آن، به همان نسبت دیه دارد. در این حکم فرقی میان باکره و غیرباکره، خردسال و بزرگسال سالم و معیوب از قبیل رتقاء و قرناء نیست.

ماده 664

ماده 664

افضای غیرهمسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:

الف- هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، ارش البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیرمقاربت باشد، دیه کامل زن و در صورت ازاله بکارت، مهرالمثل نیز ثابت است.

ب- هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد، تنها پرداخت دیه کامل زن ثابت خواهد بود.

پ- افضای ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و دیه، در صورت ازاله بکارت، موجب ارش البکاره نیز می‌باشد.

ماده 665

ماده 665

قطع دو بیضه یکباره دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست، ثلث دیه دارد.

تبصره

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.

ماده 666

ماده 666

دیه ورم کردن یک بیضه، دودهم دیه کامل است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشت دهم دیه کامل است.

ماده 667

ماده 667

قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای ملحق به مرد، موجب دیه کامل است. قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای مشکل یا ملحق به زن، موجب ارش است.

ماده 668

ماده 668

از بین بردن عانه مرد یا زن، موجب ارش است.

مبحث پانزدهم - دیه پستان

ماده 669

ماده 669

قطع و از بین بردن هریک از دو پستان زن، موجب نصف دیه کامل زن و از بین بردن مقداری از آن به همان نسبت موجب دیه است و اگر همراه با از بین رفتن تمام یا بخشی از پستان مقداری از پوست یا گوشت اطراف آن هم از بین برود یا موجب جنایت دیگری گردد، علاوه بر دیه پستان، دیه یا ارش جنایت مزبور نیز باید پرداخت شود.

ماده 670

ماده 670

در قطع کردن شیر پستان زن یا از بین بردن قدرت تولید شیر یا متعذر کردن شیر از پستان و یا ایجاد هر نقص دیگری در آن، ارش ثابت است.

